

گفتگوی صبا با امیر قادری فعال رسانه

و منتقد سینما

محصول خوب سینما

حق مردم است



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی

www.rooznamehsaba.com

rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

تصمیم گیرندگان در این حوزه است اما متأسفانه تا بحال به درستی عملی نشده است. همه گروه های سینمایی در دوره های مختلف از هر سو به نهضتی با یکدیگر در این نکته متحد شده اند که باید جلوی اکران فیلم خارجی گرفته شود! مصرف محصول خوب روی پرده سینما حق مردم ایران است. چرا که اولاً بسیاری از این فیلم ها با کمترین ممیزی در ایران قابل اکران است دوماً خود کمپانی ها نسخه های ویژه هر کشوری را با توجه به شرایط خاص آن کشور تهیه کرده اند که می توان از همان نسخه های تغییر داده شده استفاده کرد. و دست آخر درجه بندی و اعمال رده سنی هم می تواند کار ممیزی را راحت تر کند. قطعاً منظور من اکران، همزمان فیلم های روز با سراسر کشورها در جهان، با بهترین نسخه و کیفیت استاندارد است.

اینکه مسئولین برای نجات سینما با نگاهی حمایتی، اقداماتی را در دست کار دارند مانند بارانه دادن به کارمندان دولتی و بازنشستگان برای سینما رفتن را چگونه ارزیابی می کنید؟

این راهکارهای حمایتی، سال هاست که با تزریق بودجه های بارانه ای دولت به سینما تحت عناوین مختلف صورت می گیرد. شاید این راهکارها مانند شوک برای کسی که به کما رفته است بتواند عمل کند، اما قطعاً احیاگر نیستند و تنها به شکل شوک هایی ممتد است که به صورت مقطعی به بدن خسته و از کار افتاده سینمای ایران وارد می شود.

در سالی که گذشت اکران فیلم های مثل برادران لیل و یا جنگ جهانی سوم می توانست باعث آشتی مردم با سینما و بازگشت رونق به گیشه شود؟

قطعاً اکران این فیلم ها در سال ۱۴۰۱، اتفاق بهتری را رقم می زد تا اکران همین فیلم ها در سال آینده. اما به هر حال از نظر من اکران هایی از این دست هم مانند شوک های مقطعی هستند که برای مدت کوتاهی می توانند رونق را به گیشه برگردانند و یا ضریب اشغال صندلی را به طور موقت بالا ببرند، اما اینکه با این اکران ها بتوان سینما را زنده کرد، خیر سینما را نمی توان با این در مان های مقطعی زنده کرد.

بحرانی تحریم هنرمندان و... تمام شده بود. این تمام شدن سینما در ایران ریشه ای عمیق تر دارد که به دوران قبل از کرونا می رسد. وقتی سخن از تمام شدن سینماست منظور سنت سینمایی ایران نیست بلکه ریل گذاری های مشخصی است که از دهه ۶۰ در دوره های مختلف هر کدام با یک سیاست گذاری در پشت پرده اتخاذ و گمارده شده است که متأسفانه همگی شکست خورده اند. همان طور که در جشنواره فجر امسال دیگر شاهد رقابت هنرمندان و کارگردانان نبودیم و آنچه که اتفاق افتاد رقابت چند نهاد و ارگان دولتی در جشنواره فجر بود. رقابتی میان سازمان اوج، بنیادفاری و حوزه هنری! البته در چنین شرایطی این اتفاق طبیعی بود چرا که ارگان های دولتی سینمایی این آلازم هشدار دهنده را بیش از این احساس کرده و با هر ضرب و زوری برای پر کردن جدول نمایش دست به کار شده بودند. با این حال با اینکه معتقدم جشنواره امسال، یک جشنواره ارگانی و رقابتی بین چند نهاد بود اما باز شاهد ۲ الی ۳ فیلم خوب بودیم که همین باعث امیدواری به سینماست که حتی در این شرایط هم قادر است محصولی را وارد بازار کند که مورد قبول گروهی از مردم هم قرار بگیرد چرا که کارگردان دغدغه های فردی خود را حتی در قالب یک فیلم حمایتی و ارگانی گنجانده و فیلمی مورد قبول از دیدگاه مخاطب را ارائه داده بود.

با این وصف، عبور از این تنگنا را در چه می دانید؟

اینکه امسال صادقانه ارگان ها حمایت خود را اعلام کردند نشانه خوبیست. و این مسئله می تواند در آینده با یک ریل گذاری هوشمندانه و سالم تر تبدیل به یک فرصت برای سینمای ایران شود. مثلاً اگر هر کدام از این ارگان ها مانند یک کمپانی واقعی مردمی، وارد بورس شوند و کاملاً به شکل مردمی در بازار بزرگ سینمای تجاری با هم به رقابت بپردازند حتماً در رقابت شاهد اکران فیلم های مردم پسندتر و به مراتب گیشه های پر رونق تری خواهیم بود. و دیگر شاهد ساخت فیلم های ارگانی با خط و مشی های مشخص و از پیش تعیین شده نخواهیم بود.

اکران فیلم خارجی دومین راهکار برای خروج از این بحران است. بحث اکران فیلم های خارجی سال هاست که موضوع صحبت های

سمیه خاتون - ضایعه در گذشت سینما در جهان اعلام و مراسم اش برگزار شده است. دیوید تامسون مراسم رای گیری رده بندی بهترین فیلم های مجله سایت اندساند، را به مراسم عزاداری تشبیه و گفته است «حتی اگر فیلم و سینما هنوز کامل نمرده باشند بیش از همیشه درون دغدغه مرگ و احتضار فرو می روند. ما مثل تمام عشاق سینما در هر جای دیگر می دانیم که سینما و فیلم مدت ها قبل مردنش را آغاز کرده است و سال به سال مراسم عزاداری سینما را به تماشا نشسته ایم» اما آنچه که مشخص است و تامسون و دیگر نظر به پردازان سینمایی به آن اشاره می کنند این است که سینما و فیلم، با قالب و فرهنگ پیشین است که مرده و از کار افتاده است و اکنون شاهد رشد کار کرد دیگری از صنعت فیلم سازی در دنیا هستیم. کار کردی که؛ در جهان اصل تماشای فیلم در سینما و روی پرده اکران را، به سنت بدل کرده است. این در حالی است که در ایران هنوز از سینما انتظار معجزه، آگاهی بخشی و هدایت مردم را داریم! حالیا اگر سینما را با کار کرد واقعی خود در دنیای امروز بسنجیم خیلی بهتر می توانیم آن را در قالب یک سنت حفظ و به نسل های بعدی هدیه کنیم. شاید لازم باشد از خود بپرسیم که چگونه سنت سفره هفت سین هزاره های بسیاری از چندین نسل را در نور دیده و هر سال در اصلی ترین جای خانه هر ایرانی نشسته است؟ آیا حمل این بار عجیب و غریب، و کوچ آن از ایران باستان تا امروز جز از مردم بر می آمد؟ پس لطفاً سینما را هم بدون هیچ نگرانی به مردم بسپارید و دیگر در آن به دنبال هیچ چیز جز حفظ سنت سینما رفتن نباشید! در روز های پایانی سال ۱۴۰۱، خبر نگار صبا با موضوع عملکرد سینمای ایران در سالی که گذشت با امیر قادری منتقد فیلم به گفتگویی دوستانه نشسته که در ادامه می خوانید.

سینمای ایران را در سالی که گذشت چگونه دیدید؟
از نظر من، سینمای ایران قبل از این ناآرامی های اخیر و شرایط



شما معتبر هستید شماره معتبر بخرید

فروش ویژه شماره های خاص اعتباری و دائمی تا ۴۰٪ تخفیف

از طریق shop.mci.ir و تمامی مراکز فروش و خدمات همراه اول



www.mci.ir